



اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

**منصور حکمت**

www.m-hekmat.com

دوره دوم

۵۲ ضمیمه

جمعه، ۲۰ شهریور ۱۳۸۳

۱۰ سپتامبر ۲۰۰۴

جمعه ها منتشر میشود

# انترناسیونال

سردبیر: سیاوش دانشور

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416

## توضیح سر دبیر:

ضمیمه انترناسیونال نمونه هائی از مطالبی است که علیه این بیانیه بعد از انتشار آن در درون حزب نوشته است. علاقه مندان میتوانند برای مطالعه مجموعه اسناد این مباحثات به سایت حزب مراجعه کنند.

جاری حزب جانی پیدا نکند. ظاهرا این امید بیهوده بوده است. امروز متاسفانه این بیانیه در شماره اول نشریه منشعبین بعنوان سند هویتی شان چاپ شده است. باید با این آنتی کمونیسم قاطعانه مقابله کرد. مقالات منتشر شده در این شماره

کرد. در همان زمان رفقای زیادی از اعضای رهبری و کادرها و اعضا علیه این بیانیه نوشتند. اما همه امیدوار بودند که این بیانیه که یک سند رسما ضد کمونیستی (و نه فقط ضد حزب کمونیست کارگری) است در آینده این دوستان و جدال

مماشات، و نهایتا پشت خط کوروش مدرسی جمع شدن تشخیص میدادید، با انتشار این بیانیه رسما گرایش راست پرچم گروکشی از حزب را با ادبیات مک کارتیستی علنی

بیانیه ۲۱ نفر سندی است که منشعبین از حزب چند روز قبل از رفتنشان منتشر کردند. اگر تا قبل از انتشار این بیانیه گرایش راست را باید بر اساس موضعگیری، سکوت،



## منشعبین و بیانیه دست راستی و مک کارتیستی

اصغر کریمی

کادرهایی که قبول کردند تا این بیانیه به هویت آنها و مبنای رابطه منشعبین با حزب کمونیست کارگری تبدیل شود عمیقا باید اظهار تاسف کرد. تبدیل شدن این بیانیه به سیاست رسمی و حاکم بر حزب منشعبین دامن رهبری حزب کمونیست کارگری عراق و مشخصا تعدادی از اعضای رهبری این حزب از جمله لیدر و رئیس دفتر سیاسی این حزب که جزو موسسین حزب منشعبین هستند را هم خواهد گرفت. چرخش سیاسی و موضع انحلال طلبانه رهبری حزب کمونیست کارگری عراق در قبال حزب کمونیست کارگری ایران در ۲۵ اوت ۲۰۰۴ تماما منبعث از همین بیانیه است. این وضعیت حزب کمونیست کارگری عراق را در برابر مخاطره بزرگی قرار داده است. از این بابت نیز باید اظهار تاسف کرد.

۵ سپتامبر ۲۰۰۴

سال گذشته بود، به سوابق آدمها رجوع شود، به روش و منش این و آن مراجعه شود، تا بحث شخصی شود، نفرت ایجاد شود، و از زیر بحث در روند. این سند لکه سیاهی بر حزب منشعبین است. این يك سند مک کارتیستی و بدرد افشاگری علیه کمونیستها و هتک حرمت کردن از آنها توسط بی بی سی و سی ان ان میخورد. امیدوار بودیم که این سند به گذشته آنها و نه آینده شان تعلق پیدا کند. اما با چاپ آن در اولین شماره نشریه رسمی شان تصمیم گرفته اند با این بیانیه اعلام موجودیت کنند. این سند مهمترین بیانیه اعلام موجودیت آنها شده است. فقط میتوان اظهار تاسف کرد. اینها را و چیزهای دیگری از این قماش را کوروش مدرسی در نشست دفتر سیاسی حزب در ماه ژوئیه ۲۰۰۴ به منتقدین خود پرتاب کرد و متاسفانه به پلاتفرم همه آنها تبدیل شد. برای همه اعضا و

نامه بنویسند" و غیره و در يك کلام تصویر حزب استالین، تصویر دادگاهها و زندانهای جمهوری اسلامی میدهند. اینها را همه گفتند و نوشتند و کمپین کردند و رفتند و همه برای سرپوش گذاشتن روی پلاتفرم راستی که داده بودند. اینها را گفتند تا امروز در صفوف خودشان هم فضائی ایجاد کنند که کسی نتواند سوال کند، نقد کند و یا نظر سیاسی کسی را بپرسد. اینها گرد و خاک بود برای اینکه جلو يك مبارزه سالم سیاسی را بگیرند چون میدانستند نظرات سیاسی شان چنان با کمونیسم کارگری و هر نوع کمونیسم و انقلابی گری بیگانه است که در این حزب جانی ندارد. اینها را با اکاذیبی درمورد قهرمانی های خودشان و بی نقش بودن و پاسیو بودن دیگران تزئین کرده اند، تا بجای بحث حول پلاتفرمها و قطعنامه ها و نقشه عملهای سیاسی که اساس اختلاف نظر درون حزب در دو

اولین شماره نشریه منشعبین از حزب کمونیست کارگری با يك بیانیه دست راستی و ضد کمونیستی منتشر شد. این بیانیه، بیانیه ۲۱ نفره، پرچم منشعبین در مبارزه سیاسی درون حزب بود و اکنون به سیاست رسمی آنها در مقابل حزب کمونیست کارگری و به بخشی از هویت سیاسی و ایدئولوژیک آنها تبدیل شده است. قبلا طی مطلبی در مورد این بیانیه نوشته بودم که این بیانیه برای بسیج راست علیه کمونیسم است. باروت راست ترین تربون های جهانی علیه کمونیسم است. يك بیانیه تماما جعلی، با سخیف ترین اتهامات علیه کمونیستهای شناخته شده، و علیه حزب کمونیست کارگری است. از آزادیخواه ترین حزب سیاسی در ایران بعنوان يك حزب سرکوبگر، حزبی که رهبرانش مخالفین و منتقدین را "تصفیه ایدئولوژیک" میکنند، "انقلاب ایدئولوژیک" میکنند، "پاپوش میسوزند"، "پرونده سازی میکنند"، "جعل میکنند"، "منتقدین را تحت فشار اخلاقی و عاطفی قرار میدهند تا ندامت

در صفحات دیگر:

سندی تازه  
برای آرشیوی کهنه  
محسن ابراهیمی

صفحه ۲

بیانیه ۲۱ نفر  
بیانیه "برون رفت" از  
حزب کمونیست کارگری!  
آذر ماجدی

صفحه ۵

این بیانیه  
ضد حزبی - ضد کمونیستی  
را پس بگیرید!  
خلیل کیوان

صفحه ۷

نامه های جمعی از فعالین  
و دوستان حزب از  
تهران و شهرهای کردستان

صفحه ۸

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

# سندی تازه برای آرشیوی کهنه

(در باره بیانیه ۲۱ عضو کمیته مرکزی)

محسن ابراهیمی



بیانیه ۲۱ عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری، مستقل از و علیرغم تعارفات زایدش، بیانیه جدایی است. این بیانیه، مبنای اصلی کنار هم قرار گرفتن ۲۱ عضو کمیته مرکزی در لحظه جدایی است. این بیانیه، نه گفتن به ماست که جهت گیریهای سیاسی مورد نظر رفیق کورش در پلنوم ۱۶ را مغایر با مبنای فکری و سیاسی حزب کمونیست کارگری دانستیم و نقدش کردیم. به این معنا، این بیانیه نه گفتن به جهت گیریهای پایه ای سیاسی حزب کمونیست کارگری است.

این بیانیه، در مورد اختلافات سیاسی که در پلنوم ۱۶ آغاز میشود سکوت میکند. سکوتی کامل، زیرکانه و حسابگرانه. اما سکوت سرشار از ناگفته هاست مخصوصا اگر این سکوت بر سر اختلافات سیاسی باشد. ناگفته هایی که یکبار در همان پلنوم ۱۶ بر زبان آمد و در اسناد بعدی روی کاغذ نوشته شد و طوفانی بر پا کرد که تا امروز ادامه دارد. آثار این اختلافات باید کاملا دفن شوند و این خاصیت دوگانه دارد: هم میخواهد ۲۱ نفر را تا اطلاع ثانوی دور هم نگه دارد. و هم توجه اعضا و فعالین و علاقمندان به حزب را از اختلافات واقعی سیاسی دور کند. دقیقا به همین دلیل این بیانیه نمیتواند به عنوان مبنای اتحاد، مدتی طولانی دوام بیاورد.

میتوان روی کاغذ و موقتا سر چیزهایی سکوت کرد. اما سکوت در جامعه ای ساکن دوام میاورد. جامعه ای که راه میبرد سکوت هر جمعی را دیر یا زود میشکند. آنهم جامعه ای مثل ایران که بسرعت راه میبرد. بیرون از بیانیه ۲۱ نفر، جامعه واقعی تحولات سیاسی را همچنان از سر میگذرانند. و خیلی هم با سرعت از سر میگذرانند. جنبشهای واقعی در تحرکند و خیلی هم با شتاب در تحرکند. انسانهای واقعی نیازمند جهت گیری سیاسی هستند و در جامعه پرتحرکی مثل ایران امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند جهت گیری سیاسی هستند. و درست به همین دلیل، همین ۲۱ عضو کمیته مرکزی بسرعت در مقابل همان سئوالاتی

قرار میگیرند که فقط سرنخهای پاسخ به آن سئوالات در پلنوم ۱۶، دو خط کنونی را در مقابل هم قرار داده است. آن موقع دیگر نمیتوان تنها با گفتن اینکه "آن نظرات مربوط به گذشته است" و "من هم با آن نظرات اختلاف داشتم" دور هم ماند. مگر اینکه این بار این ۲۱ رفیق رسما پشت آن نظرات بروند، و آن نظرات را - این بار بدون مانع حمید تقوایی و هم نظرانش - به پلاتفرم سیاسی تبدیل کنند و راهشان را به "طرق دیگر" ادامه دهند. و ما از این "طرق دیگر" خاطره خوبی نداریم.

## قطار حزب در ایستگاه

### پلنوم ۱۶

چرا به اینجا رسیده ایم؟ بیانیه ۲۱ نفر به این سئوال دو جواب دارد. يك جواب مفصل. يك جواب بسیار گذرا. و اتفاقا جواب گذرا مربوط به موضوع پایه ای است: اختلاف بر سر استراتژی حزب.

### جواب مفصل:

"سیر حرکت حزب کمونیست کارگری را میتوان به حرکت يك قطار در شیب تند يك کوه مقایسه کرد. سنت حکمیستی در این حزب میکوشد حزب را به جلو سوق دهد و آنرا به قله برساند. در مقابل، چه فرقه ای و سنتی با اتکا به نیروی عادت و دیدن دنیا از دریچه تنگ مقولات و مفاهیم چه سنتی حاشیه ای و غیر دخالتگر تمام ترمزها را کشیده است و تمایل دارد که قطار را در همان میدان آشنا و اطمینان بخش سنتهای گذشته نگاه دارد. حزب کمونیست کارگری يك گذشته و يك آینده دارد. جدال دائمی در این حزب جدال میان این گذشته و این آینده بوده و هست."

بیانیه ادامه میدهد که از دست رفتن منصور حکمت، حکمتیسم، "لکوموتیو و لکوموتیوران قطار حزب را از دست میدهد." "چه سنتی" که "متعلق به گذشته حزب"

است "احساس گشایش" میکند. توازن قوا در حزب به نفع این چه عوض میشود و نهایتا مقاومت این چه سنتی حزب را دچار بحران کنونی میکند.

### جواب گذرا:

"اختلاف پایه ای ما با سنت مقابل در اساس اختلاف بر سر استراتژی حزب است." در کل بیانیه به این وجه اختلاف که "پایه ای" هم هست فقط يك پاراگراف کوچک اختصاص داده شده است. اگر اختلاف پایه ای ما بر سر استراتژی حزب است چرا بیانیه ای که قرار است مبنای پلاتفرم سیاسی رفقای باشد که میخواهند در قالب دیگر راهشان را ادامه دهند از بغل این اختلاف "پایه ای" اینقدر چکی رد میشود؟ دلیلش روشن است. هر چقدر پاسخ به این سئوال کش داده شود همانقدر جا برای کش دادن بازی یا موجودی به نام "چه سنتی" تنگ میشود.

در جواب مفصل، بیانیه موجودی ساخته است به نام "چه سنتی" و دوست دارد به نمایندگی از "آینده حزب" با این موجود که گویا متعلق به "گذشته حزب" است دوئل کند. نمیتوان با موجودی ساختگی دوئل کرد و دست آخر پیروز هم شد. چکی رد شدن از پاسخ به اختلاف پایه ای بر سر استراتژی هم دقیقا به خاطر مشغول ماندن و مشغول نگه داشتن حزب در این دوئل با موجودی ساختگی است.

برگردیم به پاسخ مفصل بیانیه: همان شیب تند و قله و قطار و ترمز و ...

لازم است در مورد این "قطار" و این "قله" و این "شیب تند" و این "ترمز" کشیدنیهای "چه سنتی"، این "احساس گشایش" و این "گذشته" و این "آینده حزب" دقیقتر شویم که کلمات کلیدی جواب مفصل به سئوال چرا به اینجا رسیده ایم هستند.

کاملا با بیانیه موافقم که آن لحظه ای که قطار حزب در شیب تندی لکوموتیو رانش را از دست

میدهد، احساس گشایشی بوجود میاید. احساس گشایش برای چه خطی؟ احساس گشایش برای خطی که اگرچه در بیرون از حزب همیشه فعال بوده است اما در حزب جایی نداشته است: خط راست. این "چه سنتی" از گذشته حزب نبود که آینده حزب را زیر سؤال میبرد. این خط راست، سنتهای سیاسی راست از گذشته و امروز جامعه است که آینده حزب را در مقابل علامت سئوال قرار میدهد. پاسخهای سنتی راست به سئوالهای پایه ای سیاسی است که در درون اظهار وجود میکند. و البته سنت چه در حزب، دوره این احساس گشایش را کوتاه میکند.

دو سال پیش است. جامعه ایران به سرعت حرکت میکند. جنبش سرنگونی نیرو میگیرد. چه قوی تر میشود. قطار حزب به شیب تند تحولات سیاسی میرسد. و درست در همین لحظات، با کمال تاسف و درد، لکوموتیو ران توانای حزب دیگر در میان ما نیست. قطار حزب به ایستگاه پلنوم ۱۶ میرسد. تاکتیکیها و استراتژیهای که متعلق به سنت راست است از یکطرف و سنت چه کمونیستی از طرف دیگر در این ایستگاه که اتفاقا در شیب تند تحولات سیاسی قرار دارد در مقابل هم قرار میگیرند. راست، که در فقدان لکوموتیو ران اصلی حزب، احساس گشایش کرده است ترمزهای این قطار را در این شیب تند میکشد. برای مسافرن این قطار از ریل تازه ای حرف میزنند. فروپاشی نیم بند جمهوری اسلامی را بعد از سرنگونی مینامد. از امکان شرکت در دولت موقتی با ترکیب دوم خردادیهایی مثل حجابیان صحبت میکند. از شروطی که میتواند راه ما را به چنین دولتی باز کند صحبت میکند. از اینکه نباید با اعلام اجرای فوری برنامه کمونیستی مردم را رم داد سخن میگوید. میخواهد قطار حزب را وارد ریل تازه ای کند. و البته با سد "چه سنتی"، یعنی همان سنت چه

کمونیستی حزب مواجه میشود. و چه خوب که این "چه سنتی" در مقابل این سنت راست قد علم میکند و میخواهد قطار حزب را در همان سنت حزب کمونیست کارگری نگه دارد. در گذشته ای نگاه دارد که کل آینده ما به عنوان حزب کمونیست کارگری رویش بنا شده است. اگر این چنین نمیشد، ما امروز به جای آن "قله" در ته دره ای سیاسی، همسایه تازه وارد اکثریت و بقایای دوم خرداد میشدیم. میبیند که اختلاف بر سر گذشته و آینده حزب است. اما نه آنچنان که بیانیه ۲۱ تعبیر میکند. بلکه گذشته کنگره دوم، گذشته کنگره سوم، گذشته کنگره چهارم در مقابل آینده ای قرار میگیرد که به همه چیز شبیه است جز به مصوبات و جهت گیریهای این کنگره ها. چه خوب شد که "گذشته" حزب در مقابل "آینده" اش ایستاد. و الا آینده تیره ای حزب را در کامش میکشید.

به این ترتیب، سناریوی "چه سنتی" در مقابل حکمتیسم زیادی قلابی است. سناریویی است که ساخته شده است تا خواننده را مشغول کند. آنقدر مشغول کند که کسی متوجه نشود که بیانیه ۲۱ نفر وقتی به آن "اختلاف پایه ای" ما، یعنی "اختلاف بر سر استراتژی حزب" میرسد پا روی گاز میگذارد و با شتاب رد میشود. این سناریو ساخته شده است تا به آن اختلاف پایه ای نپردازد چون هر جمله بیشتر در مورد آن اختلافات پایه سیاسی، دیوار این سناریوی ساختگی "گذشته و آینده" را بیشتر فرو میریزد.

### ما به کنگره نمی آییم!

حمید تقوایی و همفکرانش اعلام کرده اند که کنگره اعضا ضروری است تا به عنوان عالیترین مرجع حزب در مورد اختلافات سیاسی حزب که دو سال است در جریان است تعیین تکلیف کند. بیانیه ۲۱ نفر



اعلام میکنند ما در این کنگره شرکت نمیکنیم. چرا؟ چون این کنگره "مراسم تشییع جنازه حزب کمونیست کارگری، مراسم به خاک سپاری افسانه (افسانه؟!)" منصور حکمت است. مبارزه برای بی حیثیت کردن کمونیسم است. "اصلا این کنگره يك "سناریوی سیاه" است. بعدا به شگرد تبلیغاتی ۲۱

عضو کمیته مرکزی برمیگردد. اینجا فقط این سؤال طرح میشود که چرا و چگونه نمایندگان اعضای يك حزب سیاسی، آنهم حزب کمونیست کارگری جمع میشوند و جنازه حزبشان را تشییع میکنند؟ چه بر سر این اعضا آمده است که ۲۱ عضو کمیته مرکزی، این تصویر عاشورایی را از خلیقات و رفتار سیاسی شان میدهند؟ چرا این اعضا نمیتوانند پلاتفرم دو خطی که امروز در مقابل هم قرار گرفته اند را بشنوند، در موردش اظهار نظر کنند، و دست آخر از میان آن پلاتفرمها یکی را انتخاب کنند؟ رهبری حزب را بر اساس همان پلاتفرمها انتخاب کنند؟ چرا این اعضا و کادرها که برای مبارزه به خاطر جامعه کمونیستی عضو و کادر این حزب شده اند به کنگره میایند تا کمونیسم را بی حیثیت کنند؟ چرا اعضا و کادرهایی که حزبشان را صمیمانه دوست داشته اند و دوست دارند، حزبشان بخشی از زندگیشان شده است به کنگره میایند تا همان حزبشان را "دفن" اجتماعی سیاسی" کنند؟

حکمت این تصویر دراماتیک امام حسیني از کنگره حزب چیست؟ چرا تصور میکنند ما اعضا و کادرهای حزب که مدتهاست نه تنها دبستان بلکه حتی راهنمایی را تمام کرده ایم به این تصاویر هراس انگیز باور کنیم؟ موضوع بسیار ساده است: ۲۱ عضو کمیته مرکزی حساب کتاب بلدند. چرتکه انتخاباتیشان خوب کار میکند. حس تناسب دارند. احساس کرده اند عضو و کادر این حزب کالای "ما" حزب میسازیم" را به عنوان پلاتفرم سیاسی از کسی قبول نمیکنند. و اگر به کنگره بیایند باید پلاتفرم سیاسی بنویسند. و اگر پلاتفرم سیاسیشان را بر اساس تزه های پلنوم ۱۶ بنویسند و به کنگره بیاورند و به رای بگذارند میبازند. و تمام این

داستان غم انگیز "تشییع جنازه حزب" در کربلایی به نام کنگره برای اجتناب از چنین واقعیتی ساخته شده است. این واقعیت اگر برای ۲۱ عضو کمیته مرکزی "سناریوی سیاه" است؛ برای اعضا و کادرهایی که خط سیاسی حزبشان بر اشخاص مقدم است يك سناریوی سیاسی است، يك شاخص ابتدایی هر حزب سیاسی مدرن است.

### "ما" و پلنوم ۱۸

در بیانیه ۲۱ نفر جمله ای وجود دارد که حقیقتا با مهارت کم سابقه ای تنظیم شده است. اما در تنظیم این جمله فقط يك واقعیت ساده فراموش شده است که موضوع آن جمله، جلسه ای از کمیته مرکزی است که در کنار ۲۱ نفر امضا کننده بیانیه، ۲۵ نفر دیگر اعضا کمیته مرکزی هم حضور داشتند و هنوز هم عضو کمیته مرکزی هستند.

آن جمله چیست؟ بیانیته میگوید: "در پلنوم ۱۸ ما عمیقترین و تندترین نقد را به نتیجه رای گیری پلنوم کردیم". همین؟ کدام رای گیری؟ کدام نتیجه؟ کدام نقد؟ چه اتفاقی در پلنوم ۱۸ رخ داده بود که سزاوار این "عمیقترین و تندترین نقد" بوده است؟ خالقین این اتفاق به کدام خط متعلق هستند؟ سر اینها نباید حرف زد. بیانیته ای که با ژست "فضای حزب را امن میکنیم" پیش میاید باید در مورد مبتکرین ناامن کردن فضای حزب سکوت کند. باید از این اتفاق یا يك جمله مبهم که فقط "ما" یش مبهم نیست بگذرد. مخصوصا که این "ما" در مقابل "آنها" که بیانیته را امضا نکرده اند نوشته شده است. برای فرد بی اطلاع قاعدتا این "آنها" بوده اند که کاری انجام داده اند که موضوع "عمیقترین و تندترین نقد" این ۲۱ نفر "ما" بوده است. و این "آنها" هستند که احتمالا حتی نقدی هم نکرده اند. گفتم این جمله با مهارت تنظیم شده است. اما برای اطلاع خواننده بی اطلاع لازم است این اتفاق را حد اقل در چند سطر معرفی کرد.

در پلنوم ۱۸ چه اتفاقی افتاد؟ آن نتیجه رای گیری چه بود و چه ارتباطی به این "ما" دارد؟ خیلی ساده با رای بلوکی - محفلی، شهلا دانشفر و مینا احدی از دفتر سیاسی بیرون افتادند. قاعدتا به خاطر نقش

مهم هم شهلا و هم مینا در حزب و بیرون از حزب، این موضوع مورد توجه پلنوم قرار گرفت. این مهم بود چون تا آن موقع با اینکه هیچ تعدادی از کمیته مرکزی رسما و علنا فراکسیونی اعلام نکرده بودند اما با رای بلوکی - محفلی تعدادی را کنار گذاشتند. این سنت "بازی با رای" مورد نقد حمید تقوایی قرار گرفت. اکثریت قریب به اتفاق حاضرین حتی "ما" ۲۱ نفر هم در این نقد شریک شدند. روشن است که این محفل اشباح نبود که بازی با رای را سازمان داده بود. این اعضای از کمیته مرکزی بودند که با رای بازی کرده بودند. این هم روشن است که کسی دوست ندارد هم نظر صاحب صلاحیت سیاسی اش را از عضویت در دفتر سیاسی کنار بگذارد. معلوم بود بلوک اعلام نشده مخالفین سیاسی این دو رفیق به جای منفعت حزب، بازی با رای را انتخاب کرده اند. میبینید که علیرغم تصویری که این جمله کوتاه ماهرانه میدهد، روش رفقای از میان همین "ما" که گویا در پلنوم ۱۸، "عمیقترین و تندترین نقد" را به نتیجه رای گیری کرده اند مورد نقد بوده است. میبینید که اختصاص يك جمله کوتاه و مبهم به این اتفاقی که موضوع "عمیقترین و تندترین نقد" بوده است، فقط برای تغییر جای "ما" و "آنها" برای خوانندگان نامطمع تنظیم شده است.

### قلبها را باید جریحه دار کرد تا مغزها از کار بیافتند!

يك رکن تبلیغاتی این دوره خط کورش مدرسی انگشت گذاشتن بر روی یکی از مهمترین وجوه عاطفی کادرها و اعضای حزب است. میدانند حزب کمونیست کارگری برای اعضا و کادرها عزیز است. میدانند اعضا و کادرها با تمام وجود این حزب را به عنوان ابزاری برای رهبری انقلاب کمونیستی عمیقا دوست دارند. به جزئی از زندگیشان تبدیل شده است. پس باید لولویی به نام فروپاشی حزب درست کنند و در مقابل اعضا و کادرها به چرخش در بیاورند و با تمام توان حمید تقوایی و هم نظرانش را مجرم برهم ریختن چنین حزبی اعلام کنند. جای تعجب نیست که رفقای هم خط کورش به هر سمتی میچرخند، در مورد هر موضوعی مینویسند، هر

تصمیمی میگیرند، با هر تصمیمی مخالفت میکنند، از هر دری حرف میزنند دست آخر از "فروپاشی حزب" سر در میآورند: اگر پلاتفرم ما در پلنوم ۲۱ رای نیاورد راهمان را جدا میکنیم چون حزب فرومیپاشد! به کنگره ۵ نمی آیییم چون مراسم تشییع جنازه حزب است! دادن اسناد به اعضا و کادرها بد است چون نسخه فروپاشی حزب است! درخواست حمید تقوایی برای دخالت کادرها ماجراجویی است چون حزب را فرومیپاشند!

به نوشته ها و سمینارها و بیانه ۲۱ نفر وقت کنید. جابجا، لحظه به لحظه، يك در میان این عبارات را خواهید دید: شورش کادرها، فروپاشی حزب، ماجراجویی، فروپاشی حزب، شورش چپ سنتی، فروپاشی حزب، بی حیثیت کردن رهبری حزب، فروپاشی حزب، تصفیه سیاسی، فروپاشی حزب، انقلاب ایدئولوژیک، فروپاشی حزب، انقلاب فرهنگی، فروپاشی حزب، چپ مریخی، فروپاشی حزب، سناریوی سیاه، فروپاشی حزب، تشییع جنازه حزب، فروپاشی حزب، دفن اجتماعی - سیاسی حزب، فروپاشی حزب... و البته يك در میان اسم حمید تقوایی هم باید آورده شود تا با دیدن "فروپاشی حزب" حمید تقوایی تداعی شود و با دیدن اسم حمید تقوایی فروپاشی حزب تداعی شود.

این جملات را باید آنقدر گفت و آنقدر تکرار کرد و آنقدر شنید که عاطفه ها تحریک شوند، قلبها جریحه دار شوند، روحها تسخیر شوند، نغزها آزاد شوند، انزجارها جان بگیرند و بالاخره عقلها منجمد شوند و سیاستها فراموش شوند و آنگاه همه شرایط آماده شود که ۲۱ ناجی بیانه صادر کنند که که ای مردم "نیروهای مخرب حزب آزاد شده اند و باید دوباره زیر کنترل در آیند." (باور کنید این جمله عینا از بیانه ۲۱ نفر نقل شده است) که ای کادرها و اعضا ما میاییم و "فضای حزب را امن میکنیم". و چقدر مضمئن کننده است که تمام این جنگ روانی فقط و فقط به این خاطر است که توجه حزب از يك حقیقت بسیار ساده منحرف شود: که در حزب کمونیست کارگری اختلافات جدی سیاسی وجود دارد. که در حزب کمونیست کارگری

نظرات و جهت گیریهای سیاسی راست در مقابل سد حمید تقوایی و هم نظرانش مواجه شده اند. که کادرهای حزب کمونیست کارگری بعد از عمری مبارزه نخواستند اند و نمیخواهند به خدمه دست چندم احزاب راست تبدیل شوند.

و باز هم چقدر رقت انگیز است که ۲۱ ناجی متوجه نیستند که مترسکها فقط کلاغها را میترسانند. کادرهای حزب کلاغ نیستند. آدمهای صاحب تشخیص اند. نظر دارند. حق اظهار نظر دارند. این آدمهای صاحب تشخیص را با مترسک "فروپاشی حزب"، با مترسک "شورش چپ سنتی" نمیتوان و نباید به سکوت واداشت.

### دنیای تیره جرج ارول!

این تشابه قابل تاملی است که همه کسانی که با سیاستهای راست از احزاب چپ جدا میشوند قبل از هر چیز این چپ را استالینیست، پل پوتیست، اهل انقلاب فرهنگی، عواملان انقلاب ایدئولوژیک، مشتاقان کلاه بوقی، حامیان انزجار نامه نویسی و سرکوبگر معرفی میکنند. و لابد میدانند کل تاریخ جنگ سرد سرشار از این نوع تهاجم تبلیغاتی علیه کمونیسم بوده است. لشکری از سیاستمداران و ادبا و نویسندگان و شعرا و "افشاگران" کمونیسم از درون، انبوهی از ادبیات ضد کمونیستی در این مورد خلق کرده اند. میدانند این تبلیغات زمان طولانی فضای سیاسی جهان را پرکرده بود و تا چند سال بعد از فروپاشی شوروی همچنان برای "بی آبرو" کردن کمونیسم برو بیایی داشت.

سمینارهای این رفقا پر از چنین ادبیاتی است. همین امروز رفیق رحمان حسین زاده در سمینارش در این مورد سنگ تمام گذاشت. و البته قبلا رفیق کورش با پرتاب روشهای استالینیستی و پل پوتیستی به رفیقی که سالیان دراز و ظاهرا با همین روشها در راس ماشین حزب بوده است این راه را هموار کرده بود. و همه میدانند "گناه" این رفیق تنها يك چیز بود: از يك کادر شاکی محترمانه خواسته بود به روابط و صحبتهای خصوصی اشخاص وارد نشود و شکایتش را رسما به مراجع رسمی حزب ارائه





کند. نه کورش مدرسی و نه هیچکدام از ما در هیچ موقعیت حزب مجاز نیستیم با زندگی و شخصیت سیاسی انسانها اینچنین بازی کنیم. این شخصیت شکنی همراه با تصویر سرکوبگر دادن از روابط و روشهای درونی حزب کمونیست کارگری هیچ چیز نیست جز یک حرکت سازمان یافته تبلیغی برای عقب راندن چپ در حزب.

بیانیه ۲۱ نفر این شخصیت شکنی و این تصویرسازی جنگ سردی را به سطح رسمی ارتقا داده است. رمان ۱۹۸۴ را خوانده اید؟ اگر نخوانده اید حتما سری به این کتاب بزنید. این رمان شاهکار جرج ارول، نویسنده ای که در صدر این نوع "افشاگری" از کمونیستها قرار دارد است. این کتاب همچنین شاهکاری در میان ادبیات ضد کمونیستی از این نوع است. یکی از منابع مهمی است که دنیای انسانی ای را که کمونیستها برایش مبارزه میکنند با چهره دستی تمام تیره و تار نشان داده است. یکی از منابع مهمی است که نسلهایی را به کمونیسم و ایده های کمونیستی بدبین کرده است.

خواننده بیخبر از مناسبات درونی حزب کمونیست کارگری، با گوش دادن به سمینارهای کورش و هفکرانش، با خواندن بیانیه ۲۱ نفر دقیقاً به همان دنیای ۱۹۸۴ میرسد که گویا مدتهاست در درون حزب کمونیست کارگری تجربه میشود: دنیای تفتیش عقاید، دنیای انزجار نامه نویسی، دنیای پرسشنامه ایدئولوژیک، دنیای تخریب شخصیت، دنیایی که در آن سر آدمها کلاه بوقی میگذارند، دنیای سرکوب و ...

۲۱ عضو کمیته مرکزی مطمئن باشند که وقتی بیانیه شان علنی شود، آرشیوداران مالیخولیای بازمانده از جنگ سرد آنرا قاب طلا خواهند گرفت و به عنوان اخیرترین سند "افشاگرانه"، در قفسه گرد گرفته اسناد دوران جنگ سرد علیه کمونیستها جای خواهند داد. ۲۱ عضو کمیته مرکزی که خوب میدانند مدرن و آزاد بودن مناسبات سیاسی درونی حزب کمونیست کارگری یکی از مشخصه های برجسته این حزب است هنوز از دادن این بیانیه وجدان سیاسیشان آزرده نشده است؟

## این تبلیغات عاریه ای است

این تبلیغات بیانیه، تبلیغات قبلی در سمینارها و نوشته ها در مورد شخصیتها را به نتیجه نهاییش میرساند. لازم است برای دادن تصویری همه جانبه تر اشاره ای به آن تبلیغات شخصیت شکنانه بشود.

در جوامع بورژوایی همیشه اقشار عقب مانده ای وجود دارند که تحت تاثیر اخلاقیات عقب مانده سنتی هستند. و احزاب راست، مخصوصاً در دوره انتخابات روی این اقشار حساب ویژه ای باز میکنند. آمریکا نمونه بارزه چنین جامعه ای است و حزب جمهوریخواه نمونه برجسته چنین حزبی است. شاخص این اقشار و احزابی که قلب این اقشار را هدف قرار میدهد اخلاقیات عقب مانده است. این اقشار معمولاً از لحاظ فرهنگی مسخ شده هستند و به همین دلیل موضوع فاسدترین تبلیغات سیاسی قرار میگیرند.

مقاطع پیش از انتخابات، این جنگ روانی بر سر شخصیتها - دقت کنید جنگ روانی بر سر شخصیتها و نه بحث سیاسی بر سر سیاستها - اوج میگیرد. بی اراده، مردد، ماجراجو، بی اخلاق، دو رو، ریاکار، توطئه گر، جعل کن، دروغگو و ... اینها کمترین القابی است که در آرشیو انتخاباتی حزب جمهوریخواه به وفور پیدا میشود. و در کنار این القاب، جنگ سوابق راه میافتد. مدالهای افتخار بر سینه ها برق میزنند. سوابق به میان کشیده میشود. تاریخ افتخارات به سی ان ان راه باز میکنند. و در بلبشوی مدالها و سوابق و تاریخها سر چیزهایی البته بی کلاه میماند: پلاتفرمها و سیاستها. و اصلاً تمام هدف از اول همین است. دنیای مدالها و سوابق و تاریخها دنیای مه آلود است. دنیای جلوگیری از انتخاب سیاسی بر اساس تشخیص سیاسی است. برعکس، دنیای پلاتفرمها و سیاستها، دنیای انتخاب سیاسی است.

این روش تبلیغاتی با کمال تعجب پیش چشمان ما پیاده میشود. سمینارها و نوشته های رفقای هم خط کورش سرشار از این شیوه است. باز هم رفیق رحمان حسین زاده در سمینار امروزش در این مورد سنگ تمام گذاشت. به نوشته ها و سمینارهای این

خط مجدداً سر بزنید. علاوه بر برخ کشیدن سوابق، تصویرسازی اخلاقی از طرف مقابل، خط تبلیغاتی غالب است. و البته و به دلایل قابل فهمی، فعلاً هدف اصلی این تبلیغات - و البته نه تنها هدف - رفیق حمید تقوایی است. اغلب آن الفاظی که در بالا اشاره کردم، صریح و ضمنی و البته با دست و دلبازی حیرت انگیزی به سمت حمید تقوایی پرت شده است و میشود. این یک جنگ تبلیغاتی آگاهانه و سازمانیافته است که دو رکن دارد. شخصیت سازی برای شخصیت شکنی. اول باید القاب عاریه ای از کمپین تبلیغاتی احزاب بورژوا را به حمید تقوایی چسباند تا بعد بتوان شخصیت حمید تقوایی را شکست. اول باید شخصیت حمید تقوایی را شکست تا بعداً لیدری حمید تقوایی را نامعتبر اعلام کرد.

اما خوشبختانه حزب کمونیست کارگری جامعه آمریکا نیست. اعضا و کادرهای حزب هم اقشار عقب مانده این جامعه نیستند. حمید تقوایی هم کاندید انتخاباتی حزب دموکرات نیست. شما هم البته اعضا حزب جمهوریخواه نیستید. به همین دلیل رفقای عزیز، بهتر است از شگردهای تبلیغاتی حزب جمهوریخواه دست بکشید. نظرات حمید تقوایی و هم نظرانش را هر چقدر دوست دارید نقد کنید. این خوب است. این سیاسی است. این انسانی است. این به نفع حزب است.

## معمای پلنوم ۲۱

"کسی حق ندارد مشروعیت و صلاحیت ارگانهای آن (حزب) و بویژه کمیته مرکزی را نفی کند." "هیچ ارگانی نمیتواند آن (کمیته مرکزی) را دور بزند و یا فاقد اعتبار معرفی کند." "ما به شایستگی و صلاحیت کمیته مرکزی در این انتخاب باور داریم. تصمیم کمیته مرکزی، از هر طرف که باشد، برای ما محترم و مشروع است."

اینها عین جملات بیانیه ۲۱ نفر است. و البته جمله زیر هم عین جمله ای از بیانیه است: "اگر پلنوم به این پلاتفرم (یعنی پلاتفرم ۲۱ نفر) رای ندهد، ... ناچاراً راه ما از هم جدا میشود." معنای واقعی این تناقض چیست؟ یعنی این که ما ۲۱ نفر در صورتی از تصمیمات پلنوم تبعیت

میکنیم که به پلاتفرم ما رای دهد. و اگر به پلاتفرم ما رای ندهد از آن تبعیت نمیکنیم. یعنی از دیگران میخواهیم پلنوم را دور بزنند و اما خودمان در صورت مغایرت تصمیم پلنوم با خواست ما از روی تصمیماتش میپویم. یعنی در حرف میگوییم "تصمیم کمیته مرکزی از هر طرف که باشد برای ما محترم و مشروع است"، اما در عمل اگر این تصمیم مغایر با خواست طرف ما باشد به آن عمل نمیکنیم.

معلوم نیست چگونه میتوان هم به "شایستگی و صلاحیت کمیته مرکزی در انتخاب" قسم خورد و هم اگر این انتخاب، مغایر با انتخاب مورد نظر ۲۱ نفر باشد آنرا زیر پا گذاشت؟ چگونه میتوان هم تصمیم کمیته مرکزی را از هر طرف که باشد "محترم و مشروع" دانست و هم اگر این تصمیم مغایر با پلاتفرم ۲۱ نفر باشد از آن تبعیت نکرد؟

شوخی نکنید رفقای عزیز. معانی "شایستگی" و "صلاحیت" و "محترم" و "مشروع" در یک حزب سیاسی با معانی این کلمات در خوش و بش های ریاکارانه و کدخدانمناشانه روستایی و حجره های بازار خیلی متفاوت است. شما که در بیانیه تان میگویید "مقامات و نهادهای آن (حزب) در قبال پلاتفرمها مصوب مسئول هستند" قاعدتاً باید این تفاوت را خوب درک کنید. در حجره های بازار با این کلمات جنس به همدیگر قالب میکنند. در مناسبات

کدخدانمناشانه روستایی با این کلمات سر هم کلاه میگذارند. در یک حزب سیاسی اگر کمیته مرکزی شایسته و صالح است، اگر تصمیماتش محترم و مشروع است یعنی باید از آن تبعیت کرد. یعنی نباید از پیش تصمیم محترم و مشروع این کمیته مرکزی شایسته و صالح را در صورت مغایرت با خواست شما نامشروع و نامحترم و غیرقابل تبعیت اعلام کرد. و شما دقیقاً همین کار را کرده اید. شما پلاتفرم ما رای ندهد - و البته این یعنی اکثریت کمیته مرکزی با پلاتفرم ما مخالفت کند - ما را همان را جدا میکنیم. یعنی ما از رای و تصمیم اکثریت تبعیت نمیکنیم.

یک نکته حاشیه ای اما مهم:

بارها و بارها گفته اید و رفیق رحمان حسین زاده در سمینارش صریحاً این را گفت که منصور حکمت هم در اختلافات درونی حزب کمونیست، پلنوم را در مقابل یک انتخاب قرار داد. این قیاس هیچ جایی ندارد. کار خودتان را با اقدام منصور حکمت مقایسه نکنید. میدانید چرا؟ حداقل چند جلد از کتابهای منصور حکمت مستقیم و غیر مستقیم در توضیح و تبیین اختلافات سیاسی اش با خط مقابل است. منصور حکمت در مورد هر کدام از عرصه ها و جنبه های نظری، استراتژیک، تاکتیکی و سازمانی اختلافاتش با خط مقابل صدها صفحه نوشت و وقتی اعضا و کادرهای حزب را در مقابل انتخاب قرار داد معلوم بود این اعضا و کادرها چه چیزی را قرار است انتخاب کنند. شما میخواهید بر اساس یک جنگ روانی سازمانیافته بر سر دوروییها و دروغها و زنگار زدن و حرف عوض کردنها، کادرها انتخاب کنند!

## "اپورتونیسیم مستتر"، شجاعتی قابل تحسین!

بیانیه میگوید: "در پلنوم ۱۷ در مقابل چرخش حمید تقوایی ما تنها از شجاعت او تمجید کردیم و اپورتونیسیم مستتر در متد او را نقد نکردیم." خیلی اشتباه کردید. کسانی که اپورتونیسیم چه مستتر و چه عیان را نقد نمیکند خودشان اپورتونیست عیان هستند.

بیانیه نمیگوید این چرخش چه بوده و این "اپورتونیسیم مستتر" چیست. و نمیگوید اگر در پلنوم ۱۷ متوجه این "اپورتونیسیم مستتر" شده بودند چرا آنرا نقد نکردند؟ کدام منافع، کدام حسابگرها باعث شد کوتاه بیایند؟ و نه تنها کوتاه بیایند بلکه با علم به "اپورتونیسیم مستتر" از شجاعت ایشان تمجید هم بکنند! معلوم نیست چرا باید در یک حزب سیاسی، شجاعت یک اپورتونیست را تمجید کرد و با اپورتونیسیم این شجاع مامشات کرد؟! و اگر کسی چنین رفتاری بکند خودش اپورتونیست نیست؟

## در خاتمه

در بیانیه ۲۱ عضو کمیته مرکزی، یعنی بیانیه جدایی از حزب کمونیست کارگری، ذره ای از





## بیانیه ۲۱ نفر

# بیانیه "برون رفت" از حزب کمونیست کارگری!

آذر ماجدی

خاطر که در یک حزب مارکسیستی و کمونیستی آمده اند و یک سری نظرات راست را نقد کرده اند نظرات راستی بر سر افق و آینده و احتمال پیاده کردن سوسیالیسم، انقلاب دو مرحله ای، استراتژی کسب قدرت، تاکتیک های سیاسی در پروسه کسب قدرت، در مورد آرایش حزبی، و روش ها و شیوه مبارزه کمونیستی و مسائلی از این دست. و بر سر اینها یک جدال مهم نظری و سیاسی برافه افتاده است. واقعا که دنیا وارونه شده است. این دوستان در وارونه جلوه دادن حقایق ید طولایی دارند. طبق این بیانیه، کسانی که تماما به نقد سیاسی و نقد سیاست ها روی آورده اند فرقه ایدئولوژیک و سکت شده اند. کسانی که هیچ پاسخ سیاسی نداده اند، بجای دفاع از سیاست های معین به سابقه ها ارجاع داده اند، بجای دفاع سیاسی، حمله عاطفی و هیستریک کرده اند، بجای نقد سیاست ها و مباحث طرف مقابل به شخصیت آنها حمله کرده اند و شیطان سازی کرده اند، حزب سیاسی اند و حکمتیست شده اند. این هم مزاحی است. دوستان! اینها فقط مصرفش در بازار ضد کمونیستی خارج از حزب است.

دوستان عزیز "حکمتیست" ما میگویند بحث و جدل نظری و سیاسی بر سر امکان یا عدم امکان سوسیالیسم در جامعه ایران، ماهیت انقلابی که در ایران در شرف وقوع است، استراتژی کسب قدرت حزب کمونیست کارگری، دست بردن به تاکتیک های طبقات دیگر، در یک کلام بر سر افق و استراتژی کمونیستی و مارکسیستی در یک حزب کمونیستی و مارکسیستی، فرقه گرایی است، ماوتسیسم است، انقلاب ایدئولوژیک است. بحث نظری را ایدئولوژیک نامیده اند تا بتوانند منتقدان را فرقه ایدئولوژیک بخوانند. اگر از رفیق عضو رهبری

مدتها بود که حزب کمونیست کارگری از هم پاشیده شده بود، چند شقه شده بود. قبل از اینکه جمهوری اسلامی فروپاشد تا تاکتیک مجلس موسسان، رفراندوم، دولت ائتلافی و موقت ججاریان یا سلطنت طلبان شکل بگیرد، حزب کمونیست کارگری فرو می پاشید. اختلاف سیاسی، اختلاف بر سر افق و اختلاف بر سر مبانی هویتی حزب کمونیست کارگری موضوع این جدال حاد و تند در حزب است. ولی این بیانیه اعلام موجودیت حتی اشاره ای به آنها نمیکند. پاسخی به آنها نمیدهد. این بیانیه، به این معنا، کاملا غیر سیاسی است. از هر موضعگیری و اعلام اصول سیاسی خالی است.

میگویند یک انتخاب سیاسی در مقابل همه قرار دارد. میگویند باید انتخاب کرد. این انتخاب سیاسی چیست؟ چگونه میتوان به این بیانیه و این گروه پیوست؟ باید به این حملات ضد کمونیستی، به این بی اعتبار کردن کمونیسم پیوست، راه دیگری نیست. انتخاب سیاسی دیگری این بیانیه در مقابل شما نمیگذارد. هیچ چیز اثباتی، هیچ هدفی، هیچ پلاتفرم سیاسی ای در آن وجود ندارد. باید به لجن مال کردن کمونیسم پیوست.

### فرقه در تقابل با حزب سیاسی

ادعا میشود که آنها که میخواهند برون خواهان حزب سیاسی اند، آنها که باقی میمانند فرقه ایدئولوژیک و سکت اند. این هم ادعایی است. توضیح سیاسی و تئوریک شان چیست؟ چرا باقی ماندگان شده اند سکت و فرقه ایدئولوژیک؟ باین

میدانیم چه کسانی به این روشها متوسل شده اند. در واقع امر این روشها متناسب با سیاستهایی است که اتخاذ شده است. سیاست های راست بناگزی چینی روش هایی را نیز با خود دارد. تعجبی ندارد. و وارونه زدن و روشهای مذموم خود را به طرف مقابل نسبت دادن نیز درست متناسب با این سیاست هاست. و این کار نیز در این بیانیه مصرف برون حزبی دارد.

### پلاتفرم سیاسی

در این بیانیه اعلام موجودیت حتی یک پاراگراف در باره اهداف و برنامه سیاسی این گروه وجود ندارد. بیانیه اعلام موجودیت است ولی تماما حمله به باقی ماندگان در حزب کمونیست کارگری است، تماما حملات ضد کمونیستی به آنهاست. با زبانی که این روزها در حزب بسیار "مد" شده است، "سلبی" است. تمام این مجادله حاد و تند در حزب کمونیست کارگری حول نظرات راستی که توسط کورش مدرسی ابراز شده، آغاز گشت. از قبل از پلنوم ۱۵، از زمان بیماری منصور حکمت، از زمانی که منصور حکمت نتوانست در زندگی حزب نقش فعالی بازی کند، رفیق کورش آغاز به تدوین سیاست و تاکتیک برای حزب کرد و از همان زمان سیاست های راستی را در مقابل حزب قرار داده است. ولی به یمن مبارزه بخشی از رهبری این حزب این سیاست ها هیچگاه به سیاست های رسمی حزب بدل نشد، علیرغم اینکه حاملین آنها بمدت یکسال لیدر حزب بود. این سیاست ها اگر توسط حزب اتخاذ میشد، الان

"انقلاب فرهنگی"، پرتاپ کردن این الفاظ ضد کمونیستی به طرف بخشی از رهبری حزب کمونیست کارگری، به ادامه دهندگان حزب کمونیست کارگری، به باقی ماندگان، به کسانی که پرچم حزب کمونیست کارگری را برافراشته نگاه داشته اند و برافراشته نگاه داشت، مصرف خارجی دارد. در بازار ضد کمونیستی بیرون از حزب خریدار دارد. این پلاتفرم سیاسی آنها است. این الفاظ بدنبال استالینیست، پولوپوتیست و تواب کننده میاید. از یک دست و یک نوعند. ضد کمونیستی اند، جنگ سردی اند. با این پلاتفرم در بازار ضد کمونیستی بیرون از آنها به گرمی استقبال خواهد شد. کسانی که قبلا ما را پولوپوتیست و استالینیست خطاب میکردند، از جمله حزب دمکرات و راه کارگر، کسانی که پیش از این ما را فرقه و سکت خطاب میکردند، کسانی که پیش از این میگفتند که لیدر ما حکم قائد ما را دارد، این دوستان را به گرمی در آغوش خواهند گرفت. این بیانیه مصرف خارجی دارد.

حتی وقتی روش های خود را به ما نسبت میدهند نیز برای مصرف خارجی است. وگرنه ما که در درون حزب میدانیم که چه کسی فضا سازی، تحریف، انزجار نامه نویسی و ترور شخصیت کرده است. بالاخره یا گیرنده این تصاویر بوده ایم و یا داندنه آن. از خودمان که شک نداریم. در روز روشن در دالان ها تصویر سازی و شیطان سازی شده است. همه مان دیده ایم. ما که قربانی و موضوع این ترور شخصیت و فضا سازی و شیطان سازی بوده ایم که

بیانیه گروه ۲۱ نفره، بیانیه اعلام موجودیت و انشعاب این گروه از حزب کمونیست کارگری است و بهمین عنوان هم باید با آن برخورد کرد. این بیانیه مصرف داخل حزبی ندارد، برای خارج حزب نوشته شده است. باید رفتن از حزب را انقلابی جلوه داد، پس باید ماندن در حزب را عین فرقه گرایی، ضد انقلابی و ضد کمونیستی خواند. باید به رسم و روال مرسوم بر سر حزبی کوبید که داریم ترکش میکنیم. رفتگان و ترک کنندگان انقلابی باشند و باقیمانندگان فرقه ای و مهجور. باید بر سر مال بکویتا تا حرکتشان عین انقلابیگری و قهرمانانه جلوه کند. قبلا دیده ایم، قبلا تجربه کرده ایم، گروه دیگری را هم مشایعت کردیم. و علیرغم اینکه آنها گل و لجن بسمت ما پرتاپ کردند ما برای آنها آرزوی موفقیت کردیم. "شورشگران آوریل" آن زمان رفتند و همانطور که منصور حکمت پیش بینی میکرد هزیمت نصیب شان شد. باصطلاح "حکمتیست" های امروز ما هم خواهند رفت و ما امیدواریم که روزی در انقلاب در کنار هم ظاهر شویم. دنیا بزرگ است برای همه ما جا دارد. جای یکدیگر را تنگ نکرده ایم. راستش بعد از بیانیه این گروه ۲۱ نفره یکبار دیگر ایمان آوردم که "خدا حافظ رفیق" منصور حکمت که خطاب به مستعفیون نوشته شد، یک کلاسیک کمونیستی است. سطر به سطر آن انگار که امروز نوشته شده است و در پاسخ به این گروه.

بیانیه ۲۱ نفره مصرف خارجی دارد. پرتاپ کردن الفاظ "تصفیه ایدئولوژیک"، "انقلاب ایدئولوژیک"،

میگذارد که علیه کمونیسم بکار بگیرند. این بیانیه، برخلاف نیت امضا کنندگان، سندی تازه ای برای تبلیغات ضد کمونیستی بر جای میگذارد. این بیانیه، سندی تازه برای آرشوی کهنه است!

۱۵ اگوست ۲۰۰۴

بیانیه، حزیت را در حرف تحسین میکند، حزیت را در عمل نقض میکند. این بیانیه، ارگانهای حزبی را مشروع اعلام میکند، تصمیمات این ارگانها را نامشروع میداند. این بیانیه، نا آگاهانه و علیرغم میل امضا کنندگان، سندی را در اختیار کثیفترین دشمنان کمونیسم

تصمیمات بالاترین ارگانهای حزب کمونیست کارگری، یعنی کمیته مرکزی و کنگره است. این بیانیه، بیانیه تهدید برای تمکین است. این بیانیه، عواطف را تحریک میکند، عقلا را دست کم میگیرد. این بیانیه، شخصیتها را میشکند، سیاستها را پنهان میکند. این

مباحث سیاسی، با بی مسئولیتی تمام عیار یک دنیای جرح اولی از مناسبات دورن حزب به نمایش گذاشته است. این بیانیه، نا آگاهانه پا در دنیای تبلیغی احزابی گذاشته است که کارشان "بی آبرو" کردن احزاب کمونیستی و کمونیسم است. این بیانیه، اعلام رسمی بی اعتباری

احساس مسئولیت در قبال حزب و سرنوشت سیاسی حزب وجود ندارد. این بیانیه برای اجتناب از درگیر شدن در مباحث سیاسی ای که از پلنوم ۱۶ حزب را در بر گرفته است تنظیم شده است. این بیانیه برای دور کردن اذهان کادرهای حزب از



حزب، از لیبر سابق و امیدوار به پست لیبری پرسیده شود در مورد این مسائل چه نظری دارد و چگونه فکر میکند، میگویند دارید تفتیش عقاید میکنند، پرسشنامه ایدئولوژیک پخش کرده اید. حزبی که بر مبنای مارکسیسم ساخته شده است. حزبی که قرار است بر ستون فقرات کادرهای مارکسیستش بجلو برود و پیاده کردن سوسیالیسم را تضمین کند، در چنین حزبی حتی نمیشود از عضو رهبری پرسید راجع به امکان پذیری سوسیالیسم چه فکر میکند. این انقلاب ایدئولوژیک و تفتیش عقاید و استالینیسیم نامیده میشود. و جالب اینجاست که اینها خود را حکمتیست هم مینامند. اگر از این "حکمتیست" های عزیز پرسید درباره "مارکسیسم و جهان امروز"، "مبانی و چشم اندازهای حزب کمونیست کارگری"، "تفاوت های ما"، و تازگی ها حتی "یک دنیای بهتر" چه فکر میکنند، به تفتیش عقاید و انقلاب ایدئولوژیک متهم میشوید. اگر از رفیق عزیز "حکمتیست" مان که اعلام میکنند نصف کسانی را که او سوسیالیست کرده است الان دارند پرسشنامه جلوی میگذارند، پرسید، رفیق عزیز شما چگونه این جماعت را سوسیالیست و مارکسیست کردید، بدون اینکه انقلاب ایدئولوژیک کنید، چه پاسخ میدهند؟ از دستاوردهای این "حکمتیست" های جدیدالتاسیس اینست که مبارزه نظری، مبارزه فکری، مبارزه سیاسی را مبارزه ایدئولوژیک، و تفتیش عقاید مینامند. در جنبش و حزبی که مبارزه نظری، فکری و سیاسی در آن جایگاه بسیار رفیعی داشته است، در حزب و جنبشی که لیبر آن، منصور حکمت، همواره بر استحکام مارکسیستی، آموزش مارکسیستی، بر ستون فقرات کادرها، بر ستون فقرات مارکسیستی و بر مبارزه نظری و فکری و سیاسی تاکید بسیاری داشت، این يك پدیده نوظهور و بدیع است. و از آن بدیع تر و مضحک تر حکمتیست خواندن خود است. در این دنیای وارونه و عجایب هر چیزی ممکن است.

### کنگره کلاه بوقی

گفته میشود که در این کنگره قرار است به سبک انقلاب فرهنگی

مائوئیستی کلاه بوقی بر سر عده ای گذاشته شود. گفته میشود که این کنگره مراسم تشیع جنازه و بخاک سپاری کمونیسم کارگری است. اینها ادعاهایی است که خود این رفقا باید دلیلش را توضیح بدهند. من که هرچه فکر کردم نتوانستم بفهمم که چرا کنگره حزب کمونیست کارگری، بالاترین مرجع تصمیم گیری حزب، مراسم تشیع جنازه و بخاک سپاری حزب کمونیست کارگری است. چرا باید اعضا و کادرهای حزب بیابند در کنگره ای حزب را بخاک بسپارند؟ دیوانه شده اند؟ عقل خود را از دست داده اند؟ این چه اظهارات پوچی است؟ حتی خودتان را هم قانع نمیکند. نگران نتایج کنگره هستید، چون میدانید که در اقلیت هستید، چون میدانید که اکثریت حزب نظرات شما را قبول ندارند و روشپایان را محکوم میکنند. از نتایج آراء میترسید. همیشه ترسیده اید. تمام سازشهایی را هم که در این بیانیه به آن اشاره میکنید و جزء افتخاراتتان میشمارید، بخاطر رای بوده است. قبل از کنگره ۴ در هراس از دست دادن رای در انتخابات کمیته مرکزی، کورش مدرسی اعلام کرد که کاندید هیچ پستی در تشکیلات نخواهد شد و میروید و نظراتش را مینویسد. هنوز فصل اول نظراتش به رشته تحریر در نیامده، کاندید رئیس دفتر سیاسی شد و طرح استیضاح لیبر را برشته تحریر درآورد. بخاطر نجات رای تان در کنگره ۴ عقب کشیدید تا وقتی آنها از آسباب افتاد، بدنبال لایبسم و کار در دالانها که در آن استادی برای پست لیبری خیز بردارید. نامه مشترک را هم بهمین منظور قاپدید، از ترس رای در پلنوم ۲۰. الان هم از کنگره ۵ میترسید باین خاطر که بخاطر علنی شدن مباحث سیاسی این دو ساله دیگر لایبسم و محفلیم برد خود را از دست داده است. از رای میترسید، باین خاطر آنرا مراسم تشیع جنازه کمونیسم کارگری نامیده اید. این بزرگ بینی جالب توجه ای است. "اگر من در کنگره رای نیاورم این مساوی تشیع جنازه و بخاک سپاری حزب کمونیست کارگری است." ولی "مراسم بخاک سپاری افسانه منصور حکمت" که در این بیانیه به آن اشاره شده واقعا زشت است. رفقای که خود را حکمتیست هم مینامید! واقعا شرم آور است. راجع به منصور حکمت چنین صحبت میکنید؟

عباراتی را که سایت های ضد حزب و ضد منصور حکمت درباره آن قلمفرسایی میکنند را بعاریه میگیرید. این دیگر سقوط کامل است. این سقوط قرار است تا کجا ادامه یابد؟ و اما کلاه بوقی. کلاهتان را قاضی کنید. بحث های هر دو طرف روی يك سایت قرار داده شده است. رفقا از دو طرف سمینار گذاشته اند، تازه رفقا کورش و رحمان هم هر وقت اراده کرده اند توی صف زده اند و چند برابر رفقای مقابل سمینار گذاشته اند. در يك مبارزه سیاسی باز و علنی چرا يك طرف مدعی اینست که بر سرش کلاه بوقی گذاشته شده است؟ چرا يك طرف معتقد است که دارند از او افشاگری میکنند؟ چرا يك طرف مدعی است که کتاب بحران خلیج اش را چاپ کرده اند؟ بحث های خود شما، بقلم خود شما، به زبان خود شما روی سایت است، چرا من کلاه بوقی سرم نرفته است و سر شما گذاشته شده است؟ چرا من افشاء نشده ام و شما شده اید؟ چرا این بحث ها بحران خلیج شماس و ما بحران خلیج چاپ کن؟ این موقعیت بالاتر در مباحث چرا سهم ما شده است و موقعیت قربانی سهم شما؟ وقتی های و هوی و هیاهو میکنید، به این فکر کرده اید که این سیر استدلال (اگر بشود آنرا استدلال نامید) بضرر خود شماس است. من تنها نکته ای که میتوانم در مورد این اظهارات بگویم، اینست که لابد در نظرات شما يك کلاه بوقی هست که وقتی عیان میشود بر سر شما کلاه بوقی گذاشته میشود، لابد قابل افشاگری هست که صرف علنی کردن آن حکم افشاگری از شما را دارد، لابد از جنس بحران خلیج هست، که دادن آنها به کادرهای حزب شما را در بحران خلیج می اندازد. ممکن است برای کسانی که دوستان دارند، و عاطفی در کنارتان قرار گرفته اند، این مظلوم نمایی رای جمع کند، ولی در مبارزه باز سیاسی در حزب و جامعه و در میان کادرهای مارکسیست و کمونیست این حزب این اظهارات تاسف آور است.

### قبل از کنگره ۴

#### و بعد از کنگره ۴

یکی از تم هایی که در صحبت ها و نوشته ها و در این بیانه گروه ۲۱ نفره عنوان شده است مقایسه

فعالیت های حزب قبل و بعد از کنگره و دوران لیبری کورش مدرسی و حمید تقوایی است. اعلام میشود: در دوره اول حزب فعال و موفق بوده، در دوره دوم پاسیو و شکست خورده. اولاً، این ارزیابی درست نیست. ایرادات و کم و کاستی های بسیاری به دوره قبل از کنگره وارد است. اگر ما ۵۰ درصد دید تیز و بیرحم منصور حکمت را داشتیم این ایرادها را هم میدیدیم. نوارهای پلنوم ۱۴ روی سایت هست گوش دهید. کارمان بعد از کنگره ۴ هم پاسیو و ناموفق نبوده است. يك نمونه مهم آن راه اندازی تلویزیون است که اکنون در ایران سر و صدای بسیاری کرده است و جامعه را کاملا قطبی کرده است. نامه هایی که علی جوادی و خود من از ایران دریافت میکنیم کاملا تاثیر عمیق و تعیین کننده تلویزیون را در ایران نشان میدهد. تزه های سیاسی رفیق حمید تقوایی که تشکیلات و جنبش ما را در داخل بر ریل دیگری قرار داد، نقش خود رفیق حمید در تشکیلات حزب در خارج که در هر سمینار و کنفرانس و مجمع حزبی که شرکت کرد، افق و هم دلی و شور بی سابقه ای ایجاد کرد و تشکیلات را به بحرت درآورد، کمپین های موفق مان بخصوص در مقابله با اسلام سیاسی، همگی نشانه ها و نمونه هایی از موفقیت این دوره حزب است، که اگر با چوب لای چرخ مواجه نشده بود ابعاد آن بسیار چشمگیرتر و وسیع تر نیز میشد. ولی حتی در آن تصویر اغراق شده هم این دوستان ترجیح میدهند که نقش رفقای مقابل را در موفقیت های آن دوره فراموش کنند، ۱۸ تیر، ۱۶ آذر و جریان عبادی - اسلو که لحظات مهم و تعیین کننده ای در حیات حزب بودند را دوستان طور دیگری مینویسند و ارائه میدهند. از قرار "راوی سنی است." نقش رفقا اصغر کریمی، حمید تقوایی، علی جوادی، مینا احدی و خود من قرار است از تاریخ پاک شود. در بسیاری از این لحظات مهم رفیق کورش غایب بود. (به سمینار رفیق اصغر کریمی رجوع کنید تصویر کامل تری میگیرید.)

### یک نکته پایانی

یکی از نکات خنده دار و جالب این بیانیه که واقعا باعث مزاح میشود، مائوئیست خواندن طرف مقابل و حکمتیست خواندن خود است. در

سمینارهای کادرها در یوتیوبی و کپنهاگ که من برای صحبت با رفقا رفته بودم، متوجه شدم که این رفقا بطرز جالب و ترسناک ای توجیه و توضیح این حکم بامزه را در صحبت های منصور حکمت در پلنوم ۱۴ یافته اند. نقد تند و تیزی که منصور حکمت در آن پلنوم از رهبری سیاسی - اجرایی وقت کرد را رفقا اینگونه تعبیر کرده اند که ما چپ سنتی هستیم و آنها حکمتیست. واقعا خنده دار است. در آن زمان منصور حکمت لیبر حزب بود و هیات دبیران شامل اصغر کریمی، آذر مساجدی، کورش مدرسی، آذر مدرسی، رحمان حسین زاده، علی جوادی، مریم نمازی و فاتح بهرامی بود. (امیدوارم اسم کسی را از قلم نیانداخته باشم.) این نقد تیز و تند منصور حکمت دامن همه ما را میگرفت، خطاب به همه ما بود. چطور شد که این رفقا تصمیم گرفتند این نقد را متوجه اصغر و من و علی جوادی و سایر رفقا کنند؟ ما بشویم چپ سنتی و این رفقا حکمتیست؟ يك موضوع واقعا خنده دار اینست که حمید تقوایی را مائوئیست خطاب میکنند. رفیق حمید تقوایی بعنوان پرچم دار مبارزه علیه مائوئیسم و پوپولیسم در تاریخ ایران و در تاریخ کمونیسم اسمش ثبت شده است. منصور حکمت هم این را بارها بطور رسمی و غیر رسمی اعلام کرده است. حالا آیا حمید تقوایی خواب نما شده است که پس از نزدیک به ۳۰ سال مبارزه یکدفعه مائوئیست شود؟ دوستان جدیتان نمیگیرند! جدی باشید. رفقا مزاح نکنید! این مبارزه و جدال جدی است. جدی به مسائل پاسخ دهید. و یکبار دیگر صمیمانه ازتان میخواهم که منصور حکمت را راحت بگذارید. در حق او چنین نکنید. "افسانه منصور حکمت"، تصویر راست و اعتصاب شکن از او دادن و حالا باین شکل ناپسند و زشت خود را حکمتیست خطاب کردن، واقعا بی انصافی در حق اوست. او را راحت بگذارید. صرف رجوع و استناد به بحث های رسمی او بروشنی نشان میدهد که چقدر این ادعا ها پرت است. وارد بحث های غیر رسمی هم که غیر اصولی است بشویم.

۱۹ اوت ۲۰۰۴

# این بیانیه ضد حزبی - ضد کمونیستی را پس بگیرید!

خلیل کیوان



سرنشینانش هم خواب تشریف دارند. این خود يك دليل ديگر كه بايد به كنگره رفت. تكليف بحث ها را آنجا روشن كرد. يك جهت و يك راننده انتخاب كرد. لازم نيست كسي هم پياده شود. هر كس بر اساس جاگه، نظر و افقش در حزب، جاي خود را بيايد. تركيب كنوني كميته مركزي اين تناسب را ندارد. ما هم تلاش ميكنيم كسي به دره سقوط نكند. كسي هم پياده نشود. اما تلاش ما مشروط است. كسي كه تصميم قاطع گرفته ته دره برود ما كاري نميتوانيم برايش بكنيم. اميدوارم هنوز رفقايش باشند كه از اين تصميم منصرف بشوند.

رفقا

بيانيه شما چماقي است بر بالاي سر كميته مركزي براي ارباب و باجگيري. در عين حال، نامه اي از درون است اگر نماند. در بيرون از حزب هم بازار خوبي دارد. مطمئن باشيد براي انتشار آن ده ها روزنامه و سايت دست راستي جا باز ميكنند. از اين رو، ادعاي برقراري وحدت حزب پوچ است. در اوضاع فعلي يك شوخي بي مزه است. روش تان حزب شكناخه و غير اصولي است. براي من كه شما را كمونيست هاي با ارزشي ارزيايي ميكنم، اين كار تان فقط حيرت انگيز جلوه ميكنند. شخصا دلم نميخواهد كسي از اين حزب برود. تسليم هم ممكن نيست. اما اگر قرار باشد بين تسليم به بيانيه و بي جادئي يكي را انتخاب كنيم، بي شك دومي را انتخاب ميكنيم. دومي تلخ اما اصولي است. اگر وحدت حزب براي شما مهم است بايد اين بيانيه ضد حزبي - ضد كمونيستي را پس بگيريد!

رفقای کادر

راه حل رفقای ۲۱ نفر، يا حزب دست آنها يا خروج از حزب است. اگر حزب در دست آنها باشد وضع از اينهم بدتر خواهد شد و در نتيجه حزب شورش ميكنند. و اگر خارج شوند قطعا لطماتي بر حزب وارد خواهد شد اما حزب به حكم شرايط سياسي ايران و جهان و نياز جامعه به كمونيسم راديكال، به حكم موقعيت بسيار مناسبه كه كمونيسم منصور

این ستولات و پاسخ به آنها حزب را به جوشش آورده است. صفتندی هر چقدر هم كه نادقيق و ناروشن باشد، اساسا حول همین ستولات ايجاد شده است. وضعيت امروز را بايد بر همین متن قرار داد و بررسي كرد. از اينرو، متد بيانيه اژگتنيو نيست. اختياري است. متافيزيك است. براي مصارف ديگر ابداع شده است. اما بيانيه در يك پاراگراف به استراتژي حزب براي قدرت سياسي بعنوان پايه اختلافات اشاره ميكنند. و عجيب اينكه به آن نمي پردازد. چرا بيانيه از اين مساله طفره رفته است؟ جواب: به همان دليل كه تا بحال از يك مجادله سالم بر سر همین مساله و ستولات كليدي ديگر طفره رفته اند. به اين دليل كه نظرات سياسي ليبر بلوك ۲۱ نفره، در بحث سياسي سالم تاب نمي آورد.

## بيانيه در فاز تعريف و پرخاشگري

در روانشناسي ترمي هست بنام فرا افكني. چيزهائي كه بخودت ميچسبد به ديگران پرتاب كن. ميگويند حمله بهترين دفاع است. بيانيه همین كار را ميكنند. انگ ميزند، جعل ميكنند، تحريف ميكنند. فراكنتي ميكنند. در خيلى موارد ميشود نشان داد و تا كنون هم در سمينارها و در نوشته ها نشان داده شده است. از جمله ميتوان پرسيد: كيست كه كنگره ۴ را كنگره انقلاب خواند و بعد آنرا كودتا ناميد؟ آفرينندگان اسكاندال پلنوم ۱۸ پشت كدام سند هستند؟ چه كساني پولپوت و استالين و تواب را در حزب پژواك دادند و يا در مورد كار برد آنها در حزب سكوت كردند؟ چه كساني در بحث سياسي به سابقه رجوع ميكنند؟ تبزيكات و تمجيدات متقابل را چه كساني در اين حزب جاري كردند؟ كساني كه نميگذاشتند بخشي از كميته مركزي از اختلافات مطلع باشند كجا سنگر گرفته اند؟ و ...

## صنور بيانيه و فاز جديد اختلافات

با صنور اين بيانيه رفقا وارد مرحله تازه اي شدند. متاسفانه قطار اين رفقا سر بسمت ته دره گرفته است.

## متد بيانيه در باره اختلاف

گرچه بايد اذعان كرد كه رفقا متد منصور حكمت در بررسي پديده ها را ميشناسند و در همین بيانيه نيز ميگويند كه در بررسي اختلافات دورني حزب بلشويك توسط منصور حكمت نيز، تحولات سياسي اجتماعي مبنا بوده است، اما در بيانيه در كارست اين متد براي توضيح اختلافات كنوني و حتي جريان مستعفيون در سال ۹۹ ميلادي از اين متد عدول ميكنند. براي بررسي اختلافات درون حزب به تاريخ گرايشات حزب ميپردازند و معلوم هم نيست چرا، در اين تاريخ، خودشان معلم و آموزگار بوده اند و عده اي ناقلين ميكروب هاي سياسي چپ سنتي و مائوسم. خودشان اصول گرا، طرف مقابل محفل گرا.

خير اين متد درست نيست. نه جريان مستعفيون و نه اختلافات امروز با تاريخ حزب قابل توضيح نيستند. حركت مستعفيون انعكاس تلاطمات سياسي جامعه در حزب بود. با پيدايش جنبش دوم خرداد، بسياري از سازمانهاي اپوزيسيون از آن تاثير گرفتند. حزب ما هم كه ديوار چيني با جامعه ندارد، از اين تحولات تاثير گرفت و نتيجه آن شد كه عده اي گفتند تحولات بورژوازي در شرف وقوع است. رژيم متعارف ميشود. عكس مصدق توي جيب مردم پيدا ميگردند. كمونيست ها و كارگران را به سازمانيايي در اين فرصت، براي چانه زني براي موقعيت بهتر فراخواندند. سير وقايع، پوچي گرايش دوم خرداد و آرزوهاي مستعفيون را دود كرد. پس ميبنيم كه، اساس حركت مستعفيون، تحولات سياسي جامعه بود. امروز هم همان متد درست است. بر متن اوضاع جديد، و اينبار با فقدان منصور حكمت، ستولات تازه و پاسخ هاي جديد همین صف بندي را دارد در بين ما دامن ميزند، يا زده است. انقلاب يا فروپاشي؟ حكومت حزب يا حكومت سوسياليستي؟ سرنكوني تمام عيار جمهوري اسلامي يا دولت موقت؟ مجلس موسسان يا كنگره نمايندگان شوراها؟ رفراندم يا سازماندهي انقلاب؟ حزب گرايش كمونيسم كارگري يا حزب تعدد نظرات و ...

بيانيه ۲۱ نفر از اعضای کمیته مرکزی ادعا دارد بحران حزب را توضیح میدهد، راه برون رفت نشان میدهد و نگران وحدت حزب است. اما، يك به يك نشان میدهد كه در هيچكدام موفق نيست. در عوض، اين سند يك نمونه كامل از اتهام زني، پرخاشگري، يك سند غير اصولي از توضيح واقعيات دو سال گذشته تا امروز، و يك شاهكار غير علمي به لحاظ متد است. از جهت لحن، تند و از لحاظ مضمون راست است. ضد كمونيستي و ضد حزبي است. اين سند براي حملات ضد كمونيستي چيزي كم ندارد. يك "سند جديد براي آرشيوي كهنه است". رفيق محسن ابراهيمي در اين رابطه توضيحات دقيق و كافي داده است. قرار است اگر رفقا، حزب را ترك كنند، مطبوعات ضد كمونيستي، تكرار تبليغات تهوع آور دنياي بورژوازي عليه كمونيست ها را، اينبار از زبان خودشان منتشر كنند. به اين دليل، صرفنظر از منازعات تا كنوني ما، اين اقدام رفقا، اين بيانيه، خدمتي به ارتجاع است و بايد محكوم شود.

پيام اين سند آشكار است: يا حزب را بدست ما مي سپاريد و يا ميرويم و نامه از درون (بيانيه) عليه آن منتشر ميكنيم. يا ما يا هيچ. اين ارباب است. اين باج گيري است. ادعا ميشود اگر آنها رهبر باشند اين حزب خوب است، اگر نباشد اين حزب پوپوليست است، مائويست است، استالينست است، چپ سنتي است، جمع دوروونگويان است، فرقه رياكاران است، مجاهد است، فدائي است، مداح است، اپورتونيست است، انقلاب ايدئولوژيك کرده است، تسويه گراست و ...

راجع به حزب كمونيست شوروي دهه سي و چهل و شخص استالين هم خيلى بيخ از اينها نميگويند. آيا در ميان اين ۲۱ نفر كسي پيدا نشد همین حقيقت ساده را درك كند و براي امضاي اين بيانه تعمق كند؟ ياد بهمن شفيق افتادم. اول تزهائي براي ايجاد انترناسيونال آورد، وقتي تزهائيش نقد شد، به حزبي كه ميخواست پايه انترناسيوناليسم او بشود، هر چه در توان داشت، دشنام نثار كرد.

حكمت در جامعه پيدا کرده است و به حکم تصميم قاطع اکثریت کادرها این مانع را هم پشت سر خواهد گذاشت و پیش خواهد رفت. نباید از رفتن کسی خوشحال بود. اما نباید به اتحاد دروغین هم تن داد. همه میدانند کمیته مرکزی تقریباً دو نیمه است. رهبری کنونی حزب آچمز است. پلنوم هر تصمیمی بگیرد، به هر طرفی متمایل گردد، باز صورت مساله باقی است. بنابراین، کنگره تنها راه است. کنگره پنج باید هم از جهت سیاسی، یعنی رد و یا تأیید مصوبات تاکتونی، و هم از جهت ترکیب رهبری حزب، تصمیم بگیرد. ادامه وضع موجود یا پیروزی يك طرف (با اختلاف احتمالا يك رای) اضمحلال حزب است. هیچ کدام از طرفین در شرایط کنونی قادر به هدایت حزب نیستند. پلنوم هم، هر تصمیمی بگیرد گشایشی پیش پای ما نخواهد گذاشت. در این تردیدی نیست. پلنوم نه به جهت سیاسی و نه به جهت سازمانی حزب را نمایندگی نمیکند. بدون تأکید بر سیاست ها و مصوبات تا کنونی و نهایتاً انتخاب کمیته مرکزی جدید، حزب از این مخمصه خارج نخواهد شد. از اینرو، کنگره ۵ يك ضرورت است. بحث های اساسنامه ای در باره مقررات برگزاری کنگره فوق العاده، برای فرار از این ضرورت است. برای مانع تراشی است. کنگره فوق العاده برای اوضاع فوق العاده است. و اکنون وضع حزب فوق العاده بغرنج است.

رفقای کادر

نباید تسلیم این روش ها شد. این همچنانکه رفقای دیگر هم بیشتر بیان کردند، فساد است. حتی اگر، همه کمیته مرکزی هم، تسلیم این روش ها شوند، کادرها ميباييد، قاطعانه آنرا محكوم کنند. بحث ها بايد فورا به اعضا داده شود. کنگره ۵ را فراخوان بايد داد. اين يك ضرورت سياسي تشکيلاتي است. حزب در خطر است!

زنده باد حزب

پيش بسوی کنگره ۵

## نامه جمعی از فعالین و دوستان حزب کمونیست کارگری در تهران

به رفیق اسد گلچینی و دیگر رفقای مستعفی

رفقا!

ما به عنوان جمعی از فعالین و دوستان حزب از شنیدن خبر جدائی شما رفقای مستعفی عمیقا متأسف شدیم، بی شک همه انسانهای شریف و آزادیخواهی که چشم امیدشان به جنبش ماست و آمل و آرزوهای خود را در تحقق اهداف و آرمانهای بشدت انسانی حزب ما می بینند و این حزب نقطه امید آنهاست، همچون ما، ناباورانه و با تاثر و تالم فراوان با این خبر روبرو شدند. ما پس از شنیدن این خبر تأسف آور در جست و جوی علل آن بر آمده و تلاش کردیم با اشراف به کلیه مباحث طرفین اظهار نظر نماییم. در این راستا مباحث کوروش مدرسی و حمید تقوایی را به دقت مطالعه کردیم، همچنین اطلاعاتی از اعلام موجودیت شما رفقا و تحلیلهای ارائه شده از جانب برخی رفقای مستعفی را نیز مطالعه نمودیم. اولین نکته ای که در برخورد شما رفقا به حزب، نظر هر انسان شریف و منصفی را که، کمترین آشنائی ای با متد بر خورد مارکسیستی به پدیده های اجتماعی را دارد به خود جلب میکند بر خورد سطحی و پا در هوای شما رفقا میباشد، انگار که انسان با بر خورد نازل و فرقه ای چپ رادیکال سنتی

در زمان جدائیهایشان مواجه است، فلائی اصول سازمانی حزب را زیر پا گذاشت، حمید تقوایی به رای اکثریت کمیته مرکزی تن نداد (آنهم با یک رای اضافی - رفقا، کمیته مرکزی را با مجلس خبرگان اشتباهی گرفته اند) تلویزیون در 18 تیر منفل عمل کرد، نشریه انترناسیونال فلان شده بود و حزب بشاش و فعال نبود (چرا نمی گوئید بخشی از دوستانتان پس از کنگره 4 و عدم تمکین به مصوبات آن که به اتفاق اکثریت آرا تصویب شده بود، حزب را فلج کرده بودند)، ما گذشته مان چنین و چنان است و مردم ما را می شناسند و تماما سخن پرانگی هایی از این دست، ارائه علل جدائی در این سطح و طرح این دست گفتارها خیلی بچه گانه و پیش پا افتاده است، شاید بر خوردهای نازل این چنینی در کنار ایملهای زیر سیبیلی بهرام مدرسی در 3 ماه قبل از اعلام استعفا به جوانانی که از طریق سازمان جوانان کمونیست با آنها در تهران مرتبط بود و علم کردن منصور حکمت، برای شما در کوتاه مدت و در شرایط فعلی خالی از لطف نباشد هر چند که واقعیات و نیازهای اجتماعی سرسخت تر از این جمع بندیهای غیر مارکسیستی و بی مایه است. اما رفقای عزیز! تعریف علل بلوک بندی و جدائی در سنت ما، در سنت کمونیزم منصور حکمت به گونه

الان دوره سوسیالیسم نیست به قدمت تاریخ بورژوازیست، همه این تزاها به قدمت تاریخ بورژوازیست، اما کمونیزم کارگری اساسا با نقد این سنتهای بورژوایی در جنبش کمونیستی بود که در اوج فرا خوان شکست سوسیالیسم از طرف بورژوازی، عروج کرد و توانست به یک نیروی غیر قابل انکار اجتماعی تبدیل شود. رفقا! این تزاها در اساس خود، خلاقیت خارق العاده رفیق حکمت را وسیله ای برای تنزل کمونیزم کارگری وی و تبدیل شدن آن به دنباله اجزای بورژوایی قرار داده و نمایندگی میکند، تاریخ جنبش کمونیستی اولین بار نیست که در درون خود و در اوج رادیکالیسمش با چنین چرخشهای محیرالعقولی مواجه میشود هر چند که امروزه محلی از اعراب ندارد و میدانی برای عرض اندام خود نخواهد یافت چرا که امروزه بشریت بیش از هر زمان دیگری محتاج سوسیالیسم است. به نظر ما اینها آن نکاتی است که در پایه ای ترین سطح در پس این بلوک بندی نهفته است و دیر یا زود با تمام بیکره خود در مقابل جامعه ظاهر خواهد شد.

رفیق اسد عزیز، فاتح شیخ، خالد حاج محمدی، رفقا! هر چند که ما در کمال ناباوری، اسامی شما دوستان را در پای بیانیه اعلام موجودیت خطی که کوروش مدرسی رهبری آنرا بر عهده دارد دیده و شوکه شدیم، اما با همه اینها، ما ایمان داریم که اکثریت شما رفقا، جانی در این بلوک بندی راست و بورژوایی ندارید، اگر بدانید که بحثهای علنیت و رهبران علنی و تعیین بخشی به رهبران چپ از طرف

دیگری است، ما در پس هر جدائی و بلوک بندی، منفعتهای زمینی را جستجو میکنیم، برای ما سوال اینست که کدام منفعت اجتماعی، شما رفقای مستعفی را از حزب کمونیست کارگری ایران جدا میکند، به قول رفیق حکمت: در واقع گرایشات، محصول فشارها و تمایلات واقعی اجتماعی اند. شاید بد نباشد مکتوبات رفیق حکمت در باره علل جدائی از حزب کمونیست ایران و متد بر خورد وی را یکبار دیگر مرور کنید. برآستی کدام تمایلات واقعی اجتماعی شما را از حزب جدا میکند. این تمایلات را کوروش مدرسی قبل از استعفا خوب فورموله کرده است، مردم از سوسیالیسم ر می کنند، انقلاب خشونت است، راههای متمدنانه، نافرمانی مدنی، شرکت در دولت موقت، مجلس مؤسسان، رفراندوم، کسب تکلیف از رهبری برای حرف زدن و اعلام موضع، این تزاها حتی در قاموس چپ رادیکال سنتی هم نمی گنجد، ما نمیدانیم شما با کدام استدلالهای مارکسیستی داد و فریاد میکنید و میگوئید، حزب کمونیست کارگری ما مستعفیون را با آن سابقه درخشان به راست بودن متهم میکند اگر این تزاها راست نیست پس چیست؟ اگر این تزاها فرار از سوسیالیسم نیست پس چیست؟ اگر این تزاها دهن انقلاب و سوسیالیسم نیست پس چیست؟ تزا

## نامه جمعی از فعالین و دوستان حزب کمونیست کارگری در شهرهای کردستان

مردم منطقه در ماموریتهای شما به خاطر خود شما و شخص خاصی نبوده ۲- بلکه به خاطر آرمان و اهداف کمونیست و سوسیالیست و حزب کمونیست کارگری و دنیای بهتر بوده است ۳- ما کمونیست و سوسیالیست را با هم می خواهیم و اجازه نخواهیم داد که کسی از طرف

مردم منطقه در ماموریتهای شما به خاطر خود شما و شخص خاصی نبوده ۲- بلکه به خاطر آرمان و اهداف کمونیست و سوسیالیست و حزب کمونیست کارگری و دنیای بهتر بوده است ۳- ما کمونیست و سوسیالیست را با هم می خواهیم و اجازه نخواهیم داد که کسی از طرف

خطاب به رفقا مظفر محمدی، عبدالله دارابی، یدلی کریمی، رحمان حسین زاده

دوستان لازم دانستیم که از طرف مردم منطقه مواردی را به شرح ذیل گوشزد کنیم امیدواریم کاملا به این موارد توجه کنید ۱- استقبال و شادی وشعف

رفیق حمید تقوایی که امروزه مورد تمسخر برخی از دوستان شما قرار گرفته چه تاثیر شگرفی در فعالیتهای اجتماعی ما و امر سازماندهی انقلاب در داخل گذاشته بی شک با ما به کنگره خواهید آمد.

ما شما رفقای عزیز را فرا میخوانیم به کنگره حزب خود، حزب منصور حکمت بیائید، این حزب، حزب شماس، این حزب انقلاب و حزب سوسیالیسم فورا است. حزب کمونیست کارگری ایران نقطه امید میلیونها انسان شریف و له شده ای است که در جهنم کثیف رژیم اسلامی زندگی میکنند، این نقطه امید را تقویت کنید، کنگره پنج هزمن نقطه عطف و تاریخ سازی در بستر تحولات جاری در ایران خواهد بود و یکبار دیگر، بیش از هر زمان دیگری، کمونیزم کارگری منصور حکمت را در راس این تحولات قرار خواهد داد.

ما صمیمانه از شما می خواهیم در این پروژه انسانی و انقلابی با ما سهیم شوید. دوستان را به گرمی می فشاریم

زنده باد انقلاب

زنده باد سوسیالیسم

زنده باد منصور حکمت

رونوشت به حزب کمونیست کارگری، اسد گلچینی، فاتح شیخ، خالد حاج محمدی و دیگر رفقای مستعفی

تهران،

هیجده شهریور هشتاد و سه، جمعی از فعالین و دوستان حزب کمونیست کارگری

پیش به سوی کنگره باعزم و اراده راسخ از طرف. پوریا. رضا. ابیدر رامین. هاور. فاروق. پردیس. مونا. شیوا. فرانک و فرخنده از سنندج و احمد. هزار جلال. طیب. بویدا و ندا. مهدیس از سقز و شرمین و اکو از مریوان و ملیشا و جیانا و تینا و محمد از سقز منصور حکمت

کردستان از جمله شهرهای سنندج و مریوان و سقز طرفداری خود را از حزب کمونیست کارگری ایران اعلام کرده و برای شما و شخص کورش عزیز فقط آرزوی موفقیت میکنیم با این امید که هر چه زودتر به خود آبیید و متوجه سر انجام کار خود باشید به گرمی دستان همه را می فشاریم به امید تحقق آرمان و اهداف حزب و منصور حکمت

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!